

این شعر را سال‌ها پیش، بهنگام که رهبر همه‌ی آدمکشانِ جهان، آیت‌الله خمینی، فتوای مرگِ سلمان رشدی، نویسنده‌ی انگلیسی را صادر کرد، سروده شد و در دفتر شعر «از سکوی کدامین نگاهِ هراسان» به‌چاپ رسید. در گذارِ آن سال‌های سیاه و سال‌های سپاهترِ پس از آن، چه بسیار نازنینانی از سپاه اندیشه و قلم، از آزادگان و پاک‌بازانِ راه‌رهایی با دست‌های ستمگرانه‌ی مرگ‌اندیشانِ ب خاک و خون کشیده شدند و با مرگشان داغی دیگر بر پیکر زخمی و داغدارِ میهن نهادند.

در این میان اما، این دغدغه که شاید عملی شدن مرگِ سلمان رشدی با فتوای خمینی - که خود آمرِ اصلی قتلِ عامِ سال ۱۳۶۷ نیز بود - می‌توانست وجدانِ جهانی، که از کنار همه‌ی کشتارها و نابکاری‌های رژیمِ خون‌آشامانِ اسلامی علیه آزادگانِ ایرانی، بی‌اعتنا گذشت و می‌گذرد، از خوابِ خرگوشی برانگیزاند. و برعلیه همه‌ی این ستمگریها پا خیزاند، با من بود!

«خوشبختانه» سلمان رشدی (گوش شیطان کر) دستِ کم تاکنون از مهلکه جان سالم بدر برده است! اما، شاید مرگِ زیبا کاظمی، خبرنگارِ «کانادایی» بتواند جای خالی مرگ او را انباشته و جیغِ بنفشِ ما را برگوش‌های خفته‌ی وجدانِ جهانی فریاد کند.

هرگز

مرگ را

به ستایش زبان نگشوده‌ام

آنسان که هیچ قدره‌بندی را نیز

نه با سرود

و نه با لبخند.

که خود

چاووشِ زندگانی بی‌مرگم .

شگفتا !

سلمان !

امروز مرگِ تو

که رهروی از قبیله‌ی مایی

از جان و دل

در گیر و دارِ حادثه‌ای تلخ

فریاد می‌کنم !

مرگی بناگزیر و مفاجا
با دست‌های ریشه‌ای مترسکِ مفلوکی
که رمز انفجارِ عقیمی را
از ماورای پرده‌ی غیبی
ترسیم می‌کند.

تا پاره‌های تنت
کفاره‌ی حقیقیّت تلخی باشد
که آیه‌وار
از زبانِ ابلیس سرودی
و پوکِ غارهای تباهی را
با موریانه‌های شک
در سال‌های مرگ
به کابوسی مرگ‌آیین درافکندی

آری بمیر سلمان ،
تا چشمِ کورِ جهان شاید
تلخی لحظه‌های گسِ مرگ
کز انتهای غارِ توحش
بر ما وزید ،
ببیند!

بمیر
بمیر
بمیر،
سلمان

وجدانِ این جهان
دیرپست
که سرزمینِ مرا،
که سرزمینِ ترا،
و سرزمینِ تمامیِ آنانی

که بار دردِ تنگی و عسرت را

بر دوش می کشند،

از یاد برده است.

*

نه،

من هرگز

مرگ را نستوده‌ام

که پایانِ زندگی ست ،

پایانِ عشق،

و انتهای رهسپاری تا فرداست.

اما ،

بمیر سلمان!

که جهان حتا،

از مرگِ سعید*، حسین* و فریدون*

بی اعتنا گذشت.

شاید

که مرگِ تو ،

مردابِ خوابِ قطبی دنیا را

سنگِ تفاوتی و تکانی باشد.

آری،

بمیر سلمان !

یاور استوار yavar.ostvar@spray.se

* سعید سلطانیپور * حسین اقدامی * فریدون فرخزاد

بهمه بگوئیم خانم کاظمی کاندایی و جز کشته شدنش در ایران جمهوری اسلامی، هیچ پیوند و ارتباطی با ایران نداشته است! این را از این نگر می گویم که هندی تبار بودن «سلمان رشدی» و ایرانی تبار بودن «زیبا کاظمی» نه تنها گره گشای دشواری های امروزی ما نیست، بلکه می تواند تا حد زیادی به کند شدن لبه ی تیغ تیز واکنش های جهانی علیه جانپان حاکم بر ایران، یاری رساند! می گوئید نه؟ به خبر زیر توجه کنید:

« کانادا پرونده ی قتل دکتر زهرا کاظمی را به سازمان ملل می برد ! »

«بیل گراهام» وزیر امور خارجه ی کانادا، در یک کنفرانس مطبوعاتی، برای نخستین بار اعلام داشت که کانادا از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواسته است تا پرونده ی قتل کاظمی را بر عهده بگیرد. او همچنین تصریح کرد:

«کانادا در حال بررسی همکاری با کشورهای اروپایی برای آوردن یک قطعنامه ی گسترده تر در زمینه ی حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد است.»

در عین حال خبرگزاری رویتر از کانادا گزارش داد که این کشور در تدارک تحریم هایی علیه ایران است. رویتر اضافه کرد: سخنگوی «بیل گراهام» وزیر امور خارجه ی کانادا گفت: «سعید مرتضوی» دادستان عمومی و انقلاب تهران، در جریان دیدار با مقامات برجسته ی کاندایی پیرامون ماجرای قتل دکتر زهرا کاظمی، مطالب جدیدی را ارائه نکرد. پس از ارسال گزارش این دیدار برای وزارت امور خارجه کانادا، وزیر خارجه این کشور گفت: سعید مرتضوی دادستان انقلاب و عمومی تهران، خود در قتل زهرا کاظمی نقش داشته و به این دلیل نمی تواند طرف مطلوبی برای کشور کانادا باشد.»

کلاهمان را قاضی کنیم: جهان مرگ بسیاری از ما را دید و شنید .. سعیدسلطانپور، ابراهیم زالزاده، غفار حسینی، حسین اقدامی، محمد جعفر پوینده، کورش آریامنش، محمد مختاری، فریدون فرخزاد و پیروز دوانی را چه بنامیم؟ سیامک زندی و دکتر ناصر زرافشان؟ هزاران دانشجوی زندانی و ۳۰۰ جای باتوم و کرور کرور دشنام و دژنام بر پیکر انصافعلی هدایت و دهها خبرنگار دیگر!! حتا هتک حرمت انسانی آنانی که یک روز تئوریستن و سازمان ده همین دستگاه جهنمی بوده اند، از منتظری و سروش و عبدالله نوری و عمادالدین باقی گرفته تا گنجی و آغاچری و کدیور و...

این جهان و وجدان خواب برده اش در برابر همه ی این جنایات بی اعتنا گذشت و خاموش ماند .اما، همین وجدان خواب آلود، با آن فتوا علیه سلمان رشدی «فقط» انگلیسی و این جنایت علیه دکتر کاظمی «فقط» کاندایی، به واکنش برخاست و برمی خیزد!

دکتر زهرا کاظمی ، خبرنگار - عکاس کاندایی بحکم رهبر جمهوری اسلامی و بوسیله دستگاه قضایی همان جمهوری بقتل رسید!